



کفاش زاده: «خانه ما» تصویربرداری فراوانی دارد. چون چیزهایی را که تصنعی هستند، نمی توانیم نمایش دهیم، مجبوریم تصویربرداری زیادتری داشته باشیم که لحظات ناب را به دست بیاوریم. مجبوریم پنهان شویم و کمین کنیم تا تصاویر واقعی را به دست بیاوریم

پیچیدگی های تولید «خانه ما» در گفت و گو با امین کفاش زاده، کارگردان

برای تصاویر واقعی کمین می کنیم!

امین کفاش زاده مستندساز است و قبل از آن که به گروه «خانه ما» اضافه شود، مستند «طیبه» را ساخته و کارگردانی مشترک «فرمانده» را هم انجام داده بود. با او که به همراه سید احسان عمادی کارگردانی رئالیتی شوی «خانه ما» را برعهده دارد، درباره چالش های تولید یک رئالیتی شو، آن هم با حضور شرکت کننده هایی که تجربه جلوی دوربین رفتن نداشته اند، صحبت کرده ایم.

قبل از ورود به هر فصل، در آداب و رسوم و سبک زندگی مردم آن منطقه مطالعه می کنید که به ایده های بصری خاص برسید؟

بله، ولی این پیش فرض ها همیشه درست از آب در نمی آید. فکر می کنیم مردم این شهر، چطور زندگی می کنند ولی در همان ۲-۳ روز مصاحبه با خانواده ها، می فهمیم همه به نوعی مدرن شده اند و شبیه به هم زندگی می کنند.

«خانه ما» مکان های فیلمبرداری زیادی دارد. با سختی ها و پیچیدگی های این موضوع چطور کنار می آید؟

این مساله دو بعد دارد. یکی لوکیشن هایی که از قبل می دانیم آنجا خواهیم بود، مثل خانه ها. این به نوعی دستاورد تیم

تصویربرداری ما بود که بتوانند در همه نقاط خانه تصویر بگیرند. دوم، فضا های بیرونی و هماهنگی های مرتبط است، زیرا شرکت کننده ها خیلی هم در برابر دوربین راحت نیستند. باید سبک باشیم و با کمترین نفرات، بیشترین بازده را داشته باشیم.

آیا بازی کردن و تصنع را در کار دخالت می دهید؟

می دانید به کسانی که تا به حال جلوی دوربین نرفته اند، می گویند «نابازیگر». شاید اصطلاح زیبایی هم نباشد، اما به هر حال حتی اگر بخواهند هم نمی توانند بازی کنند. بنابراین اگر تصنع وجود داشته باشد، معلوم می شود. این چالشی بوده که همیشه داشته ایم و دوست نداشتیم تصنع باشد.



مفید ضبط می کنید؟

خانه ما تصویربرداری فراوانی دارد. چون چیزهایی را که تصنعی هستند، نمی توانیم نمایش دهیم، مجبوریم تصویربرداری زیادتری داشته باشیم که لحظات ناب را نشان دهیم. مجبوریم پنهان شویم و کمین کنیم تا تصاویر واقعی را به دست بیاوریم. هر تیم تصویربرداری، از ۹ صبح تا ۹ شب همراه با خانواده شرکت کننده است. در این ۱۲ ساعت، حدود ۵-۶ ساعت ضبط داریم و در نهایت شاید حدود ۱۰ دقیقه تصویر نهایی داشته باشیم.

هیچ وقت نمی خواستیم اتفاقات غیر واقعی جلوی دوربین داشته باشیم. برای همین از ۳-۴ روز قبل از ضبط، تیم کارگردانی با خانواده ها زندگی می کند، گردش می روند، گپ می زنند و... تا در روز اول ضبط، نسبت به عوامل پشت صحنه، احساس راحتی و رفاقت کنند. هر چقدر هم به این سمت بروند که خودشان امور را پیش ببرند، کار بهتری می شود. هر چه نظر مثبت از سمت بیننده ها داشتیم، مربوط به لحظات نابی بوده که خانواده ها خودشان بوده اند.

تقریباً از هر چند دقیقه تصویربرداری، یک دقیقه

فرصتی برای نمایش زن های واقعی



باشند. همه اینها می توانست موجب شود کارگردانان خانه ما دستور عقب نشینی را برای زنان صادر کنند و بگویند شما بی زحمت همان جا روی مبل بنشین و لبخند بزن و ببین که بابا و بچه ها چقدر بامزه مسابقه را پیش می برند! اما این تیم، تصمیم دیگری گرفت. زنان را نشانند دور میز و ناگهان تبدیل شد به يك مستند واقع نما و واقعا واقعی! برنامه ای که در آن زنان شبیه واقعبیت خودشانند: مدیران خانه ما!

حضور حاشیه ای زن ها که آن هم محدود بود به عوض کردن لباس بچه و خندیدن به شوخی های بابا! وقتی از تیم سازنده این برنامه پرسیدم چرا نقش زن ها در این برنامه تا این حد منفعل و بی مایه است، محدودیت های سیما را بهانه کرد و گفت حجاب ال بود و شوخی با زن ها بل بود. از همین بهانه های همیشگی! با این حال اخیراً يك برنامه دیدم که نقش زن در آن خیلی واقعی بود؛ همین مستند مسابقه «خانه ما».

موضوع برنامه طوری است که اگر می خواستی زن ها را منفعل و حذف کنی، از بیخ و بن بی معنا می شد. فکر کنید وقتی اصل مسابقه به محدودیت مواد مصرفی خانه برمی گردد، چطور می شود مادر خانواده را حذف کرد؟ زنی که مدیر خانه و زندگی است، نقش اصلی را در مدیریت مصرف دارد و بی او، این برنامه شیر بی یال و دم و اشکمی می شد، شبیه بعضی دیگر از برنامه ها. تیم تولید خانه ما لابد با همان محدودیت هایی مواجه است که هر برنامه دیگری دارد.

عرف جامعه که زنان را به سمت حضور کم رنگ تر و حرف زدن کمتر در مقابل دوربین می برد، داشتن حجاب در خانه که موجب محدودیت هایی چه برای زن و چه برای فیلمبرداری است و البته نگاه های مردم به زنانی که بخواهند نقش پررنگی داشته

تلویزیون را که روشن کنی، ممکن است تصویر يك زن را ببینی. اگر موقع پخش آگهی ها باشد، آن زن ترو تمیز و خوشگل است و حتی بعد از شستن کوهی از ظرف ها با مایع ظرفشویی جادویی فلان هم خط چشم و ریملش تکان نخورده. لبخندش هم همان طور گشاد و درخشان روی لبش مانده.

زن های آگهی های بازرگانی، خسته نمی شوند، کار نمی کنند، نظرشان هم فقط مایع لباسشویی یا حداکثر فرش ماشینی هشتصد شانه است. اگر موقع پخش سریال ها باشد، زن ها اغلب موجودات بدبختی هستند. نشسته اند تا یکی بیاید خوشبخت شان کند یا افتاده اند در دام بدبختی هایی که خودشان هیچ نقشی در آن ندارند. مستندهای واقع نما، احتمالاً باید آخرین امید ما زن ها باشند، برای نمایش حضور واقعی يك زن؛ اما راستش را بخواهید، جز همین یکی، من نمونه موفق دیگری ندیده ام!

برنامه مستند واقع نماي قبلی که به توصیه دوستان دیدم، ترکیبی بود از شیرین زبانی کودکان، خوشگذرانی مرد ها و

